

روش‌های گویا نمودن زبان دعا در کودکان دوره ابتدایی برپایه نعمت‌های حسی در صحیفه سجادیه

فاطمه زنداقتاعی^۱

چکیده

ارتباط آگاهانه با خداوند در قالب زبان دعا، از جمله موضوعاتی است که توجه به آن در آموزش و تربیت کودک ضروری است. پژوهش حاضر با هدف ارتقای کیفیت آموزش دعا و روشمندسازی آن برای کودکان دوره ابتدایی انجام شده است. به همین منظور، با در نظر گرفتن مراحل رشد این کودکان و درک آن‌ها از مفهوم دعا، تلاش شده است تا روش‌هایی پویا برای بیان مفهوم دعا پیشنهاد شود. این روش‌ها با الهام از ادعیه صحیفه سجادیه و بر پایه کشف تحلیلی گزاره‌های دعا، استنباط شده‌اند. مهم‌ترین این روش‌ها عبارتند از: سیر از کلی به جزئی، ارتباط بخشی توصیفی، تصویرسازی ذهنی، تشبیه حسی، شکرگزاری با تضاد، و مشاهده تجربی کارآیی و کارکرد نعمت‌ها. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این روش‌ها، با تمرکز بر نعمت‌های حسی و تقویت تفکر خلاق در کودکان و تمرین زبانی آن‌ها، نه تنها در گویایی زبان کودک مؤثر است، بلکه به تدریج توجه او را به ارتباط بین نعمت و نعمت‌دهنده معطوف می‌کند، تا ارتباطی عمیق‌تر با خداوند برقرار کرده و زبان دعای خود را غنی‌تر و گویاتر سازند. واژگان کلیدی: دعا، کودکان، صحیفه سجادیه، نعمت‌های حسی، زبان گویا، ارتباط با خدا.

۱. دکتری قرآن علوم گرایش حقوق جامعة المصطفی العالمیه مشهد؛ مدرس دانشگاه فرهنگیان استان کرمان؛ ایران؛

zand1382f@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

۱. مقدمه

دعا میل و جلب توجه کردن و کسی را خواندن است تا به سوی دعاکننده توجه کند و مطلوب وی را برآورده سازد. از این رو دعای حقیقی تنها از آن خداست به انسان ارزش می دهد و سبب توجه به خدا و یادآور او در زندگی است. در باب دعا سفارش ها فراوانی در آیات روایات شده، از محبوب ترین کارها در روی زمین برای خداست کلید گشایش رحمت الهی و چراغ روشنگر در تاریکی است (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶۹ و نوری، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۶۷) سیره معصومان علیهم السلام سرشار از دعاها و نابی است که می تواند الگوی خوبی در زمینه ارتباط با خدا باشد از جمله صحیفه سجاده که ابعاد مختلفی از موضوعات زندگی انسان را در قالب دعا در خود جای داده است. امام چنان گویا و روان با خدا نیایش می کند که هم ادب در مقابل پروردگار را می رساند هم همه جانبه گرایی نیاز را در طلب از خدا را در نظر می گیرد.

مسئله دعا خاص بزرگ سالان نیست بلکه کودکان نیز باید از این زمینه ارتباطی با خدا بهره مند باشند؛ اما شرایط خاص ذهنی و زبانی کودکان در مراحل رشد اقتضا دارد این امر هدفمند و روشمند آموزش داده شود. از سوی دیگر در دنیای امروز که ذهنیت کودک همراه با رسانه شکل می گیرد دعا می تواند در جهت دهی ساخت باورهای درست بر اساس فطرتش مؤثر باشد؛ زیرا ساده ترین، کم هزینه ترین راه برای در ارتباط با خداست. به این ترتیب این پژوهش در نظر دارد به مهم ترین روش های گویا کردن زبان دعا در کودکان دوره ابتدایی برگرفته از صحیفه سجاده بپردازد. در این روش ها تلاش شده تا مربی، مربی را در بیان احساسات، نیازها و خواسته های خود به زبان دعا و نیایش و ارتباط با خداوند توانا سازد. این روش ها که برپایه کشف تحلیلی الهام گرفته از متون ادعیه در صحیفه سجاده است نه تنها به توسعه زبان کودک کمک کند بلکه بسترهای فکری جدیدی نیز برای او ایجاد می نماید که هم احساسات او را دخیل و هم در ارتباط او با خدا نگرشی قوی ایجاد کند و ذهنیت او را کلیشه ای و تقلیدی بار نیاورد بلکه قدرت خلاقیت او را نیز در طلب از خدا بالا برد. در بررسی منابع سابق بر این موضوع گرچه کتاب و مقالاتی نوشته شده اما به نوعی همگی از مفهوم و درک دعا در کودکان سخن به میان آمده است مثلاً نوذری (۱۴۰۲) در کتاب روانشناسی تحول دین داری به نظریات و دیدگاه های روانشناسی در مفهوم دعا بین سنین مختلف دوره

ابتدایی از دانشمندان این حوزه اشاره نموده است. در مقاله مفهوم خدا در دعاهای کودکان غربی و شرقی (آمریکایی و ایرانی) (رحیمیان و شکرالله زاده، ۱۳۹۱) نویسنده تلاش کرده مفهوم خدا در دعاهای کودکان بر اساس اسماء و صفات الهی بررسی نماید. در مقاله بررسی آثار دعا بر سطوح تربیتی و آموزشی کودکان و نوجوانان (فدایی، جعفری و گودرزی، ۱۴۰۲) به تأثیر دعا در مراحل رشد پرداخته و تحول محتوا دعا را از درخواست‌های حسی و فردی به سوی درخواست‌های اجتماعی و انتزاعی متذکر می‌شود. همچنین تحلیل مضمون دعاهای کودکان در حرم مطهر رضوی (شکفته و نوذری، ۱۴۰۲) در این مقاله نیز با روش تحلیلی آماری به مضمون دعاهای کودکان و تحلیل مفاهیم دعای آن‌ها پرداخته است. از این رو کارکرد روشی در کیفیت آموزش دعا به کودکان فاقد بررسی است و از سوی دیگر برای رسیدن به هدف موردنظر در این زمینه باید به الگوهای اصیل دعا مراجعه کرد که در این پژوهش صحیفه سجاده برای استنباط روش انتخاب شده است. همچنین تجربه نگارنده در تدریس منابع دینی در مدرسه و دانشگاه در موضوع دعا، خلأ این روش تربیتی را گوشزد نموده تا با استفاده از متون اصیل دینی در حد توان، روش‌های کارکردی و کاربردی را برای گویا نمودن زبان دعا در کودک بررسی نماید. در کتب درسی که کودکان با آن سرکار دارند؛ در این منابع نسبت به موضوع دعا، اغلب روشمند ورود نکرده بلکه با درصدد تمرین قرائت متن دعاهای قرآنی است یا آشنایی اجمالی با تکرار و حفظ برخی ادعیه است؛ لذا این بستر تربیتی که دارای لایه‌های عمیق رشد فضایل اخلاقی است را مغفول گذاشته است. از این رو سؤال اصلی پژوهش این است چگونه می‌توان زبان دعا را با استفاده از نعمت‌های حسی بر اساس صحیفه سجاده در کودکان دوره ابتدایی گویا نمود؟ درواقع چه روش‌هایی با الهام از دعاهای این کتاب شریف در گویا و روان نمودن زبان دعا می‌توان به دست آورد؟ از آنجا که موضوع پژوهش را کودکان دوره ابتدایی (۷ تا ۱۲ سال) تشکیل می‌دهد پایه دعا، نعمت‌های حسی خداوند لحاظ شده که استنباط روش از آن متناسب با رشد شناختی کودک باشد. بر این اساس ابتدا به مروری بر درس نوشت کتاب‌های دوره ابتدایی خلأ این روش یادآور می‌شود سپس با گذری بر مراحل رشد کودکان به شناخت آن‌ها از دعا اشاره شده و رابطه فکر و گویایی زبان کودک ذکر شده است. در قسمت اصلی پژوهش نیز مهم‌ترین روش‌های گویا نمودن زبان دعا را که برگرفته از صحیفه سجاده است بررسی می‌شود.

۲. درس نوشت دعا در کتاب‌های دوره ابتدایی (۱۴۰۳)

آنچه از محتوای مرتبط با دعا برای کودکان در کتاب‌های آموزش قرآن و هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی مطرح شده است به صورت محدود و اغلب ضمن اشاره بوده است؛ در پایه اول ضمن بیان برخی نعمت‌های خدا شکرگزاری او مطرح شده، در یک پیام قرآنی از آیات دعایی قرآن و در جای دیگری ذکر صلوات مطرح شده است.

در پایه دوم ابتدایی درس دوم هدیه‌های آسمانی موضوع دعا را با ذکر داستانی از سیره حضرت زهرا (ع) بیان نموده و در تمرین‌ها تلاش کرده ابعاد مختلفی از دعا و ارتباط با خدا را مطرح نماید. در قرآن پایه دوم درس یکم و هشتم ضمن اشاره به نعمت‌های الهی تشکر از نعمت‌ها را یادآور شده و در درس دوازدهم با یادآوری ذکر صلوات این دعا را مطرح نموده است. همچنین پیام قرآنی درس سیزدهم با یکی از آیات قرآن که «ربنا» دارد ذکر شده است.

در پایه سوم، کتاب آموزش قرآن ضمن یک تمرین و یک پیام قرآنی بحث دعا را مطرح نموده همچنین در کتاب هدیه‌ها موضوع شکرگزاری در درس اول و همچنین دعا در روز عید فطر را به صورت کلی مطرح نموده است.

در قرآن پایه چهارم در یک پیام قرآنی و همچنین دو تمرین مرتبط با دعا‌های قرآنی را مطرح نموده است که بیشتر تمرین به خواندن آن است تا ذکر محتوا. همچنین در هدیه‌های پایه چهارم در پایان درس اول تحت عنوان «دعا کنیم» و در درس نوزدهم تحت عنوان «خدا چون از تو ممنونم» به شکرگزاری و ذکر نعمت پرداخته است.

در قرآن پایه پنجم ضمن تمرین درس دوازدهم به دعای قرآنی اشاره کرده و همچنین دعای ختم قرآن را در پایان قرآن مطرح نموده است. در هدیه‌های پایه پنجم درس ۱۶ تمرین «دعا کنیم» و در صفحه آخر کتاب تحت عنوان نیایش ارتباط با خدا را در قالب دعا، عنوان نموده است.

در کتاب آموزش قرآن پایه ششم تحت عنوان طلب یاری از خداوند و آفرینش هدف‌دار دو دعای قرآنی را مطرح کرده، همچنین در درس آخر که موضوع قرآن در تابستان هست به ذکر نیایش پرداخته است. در هدیه‌های آسمانی پایه ششم ضمن ذکر نیایش در مناجات درس اول صفحاتی تحت عنوان «خداوندا» در درس ۶ و ۹ آورده است. کتاب هدیه‌های آسمانی پایه ششم

ویژه اقلیت‌های دینی، موضوع دعا در هیچ‌کدام از درس‌ها حتی به صورت تمرین نیز ذکر نشده است. (رک. کتاب‌های آموزش قرآن و هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی، ۱۴۰۲)

با اینکه مباحث دینی ابعاد گسترده‌ای دارد و ورود شناختی در قالب درس برای کودکان نگاه ویژه‌ای را می‌طلبد و انتظاری از پررنگ بودن دعا در این کتاب‌ها از سوی مؤلفان نیست؛ اما شایسته است حداقل به این موضوع نیز کارشناسانه ورود کرد و راهکارهایی برای تقویت فطرت توحیدی در کودکان ارائه داد و او را از کلیشه تک بعدی حفظ و ارائه، به سمت ارتباطی آگاهانه با خداوند سوق داد تا در همه جای زندگی خود حضور ربّ مهربان را حس نماید.

۳. شناخت‌واره دعا در کودکان دوره ابتدایی

دعا که صورت کلامی ارتباط با خداست؛ امر ناآشنایی بین کودکان نیست به خصوص کودکان دبستانی که دامنه لغات آن‌ها افزایش یافته و تعاملات کلامی آن‌ها با دیگران گسترده‌تر شده است. با این وجود روند رو به رشد تفکر و ارزش‌گذاری برای مفاهیم آموخته و احساس نیازهای متعدد کودکان توجه به طلب و دعا را سرعت می‌دهد.

پژوهش‌هایی در زمینه صورت گرفته است از جمله گلدمن^۱ در بررسی مراحل فهم کودکان از مؤلفه‌های دعا مجموعه پرسش‌هایی را مطرح نموده است که از این طریق مراحل فهم دعا را در کودکان سنین مختلف سنجش می‌کند... وی در محتوای دعا از کودکان می‌پرسد هنگام دعا چه چیزی از خداوند می‌خواهند؟ نتایج یافته‌ها افزایش کمی و کیفی محتوا را با بالا رفتن سن نشان می‌دهد. از حدود ۹ سالگی کودکان درباره موضوعات زیادی دعا می‌کنند. برخی تقاضای بخشش مادی و برخی هم برای دیگران دعا می‌کنند؛ البته دعاها ماهیت خودمحورانه دارد. گروهی نیز دعاهایی که مدرسه و کلیسا یا خانواده به آن‌ها یاد داده‌اند در قالب یک سری دانسته‌هاست تکرار می‌کنند. در مجموع محتوای دعاها در این گستره سنی مادی‌گرایانه خودخواهانه و خشک و تکرار محفوظات است. در ۹ تا ۱۲ سالگی محتواهای دعا در نتیجه تحول تفکر و کسب تجارب ر سطح تحول یافته‌تری قابل مشاهده است دعاها نوع دوستانه بیشتر دیده می‌شود و برای پیشگیری از خطرات فیزیکی شفای بیماران، برای خود و دیگری بروز پیدا می‌کند. گرچه دعاهایی که در

1. Goldman

عبادات عمومی کلیسا یا مدارس خوانده می‌شود نیز در این دوره استفاده می‌گردد. از ۱۲ تا ۱۳ سالگی دعا‌های نوع دوستانه به اوج خود می‌رسد و دعا‌های شخصی نیز متوجه رفتارهای متعالی می‌شود به درخواست و بخشش فزونی می‌یابد و درخواست رفع نیاز والدین و کمک در امور تحصیلی را مشاهده می‌شود. (رک: گلدمن، ۱۹۸۶، ص ۱۷۷-۱۸۳) بنابراین از نظر کیفیت دعا‌های کودکان را می‌توان به سه سطح تقسیم نمود نخست دعا‌های خام و سطحی، دوم: دعا‌هایی با خامی و مادیگری کمتر و سوم: دعا‌هایی که از رویکرد خامی زدوده شده و صورتی روحانی و نوع دوستانه یافته است که خود می‌تواند شامل دعا برای اعضای خانواده و دوستان، دعا‌های شخصی برای تشکر از خداوند، و دعا‌های پیشگیری از خطرات باشد. (باهنر، ۱۳۹۹، ص ۱۱۲-۱۱۳)

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد در مرحله نخست کودکان در سنین ۵ تا ۷ سالگی دارای مفهوم مبهم و نامتمایز از دعا و آگاهی تیره‌وتار هستند با وجود این درخواست‌ها و دعاها تا حدود زیادی با خداوند ارتباط دارد. در کودکان ۷ تا ۹ سال مفهوم دعا متمایز شده و بایان فعالیت‌های ویژه عینی شفاهی رابطه تنگاتنگ و پیچیده دارد. آن‌ها دعا را بر اساس فعالیت‌های خاص و مناسب تصور می‌کنند کودکان در این مرحله دعا را بر مبنای رفتارهای مرتبط با آن می‌دانند در سنین ۹ تا ۱۲ سال کودکان در مورد دعا به عنوان نوعی از مکالمه خصوصی با خداوند می‌اندیشند نوعی ارتباط ویژه با خداوند که در آن چیزهایی بیان می‌شود که با افراد دیگر این سخن‌ها گفته نمی‌شود. در این سنین مفهومی ذهنی از عبادت داشته‌اند به طوری که درک آن‌ها از این مقوله نوعی فعالیت درونی که از ایمان و اعتقاد فردی مشتق می‌شود. (رک: نوذری، ۱۴۰۲، ص ۶۹-۷۳)

پژوهش‌های با محتوای دعا بین کودکان مسلمان نشان می‌دهد که محتوای دعا بین کودکان دامنه‌ای از درخواست‌های مادی سطح پایین تا درخواست‌های معنوی عالی قرار داشته و همراه با رشد شناختی و عاطفی، محتوا و انگیزه از درخواست‌های حسی و فردی به سوی درخواست‌های اجتماعی و انتزاعی تحول پیدا نموده است. (رک: فدایی، جعفری، گودرزی، ۱۴۰۲، ص ۳-۵) همچنین در برخی تحقیقات مضمون دعای کودکان نشان می‌دهد که درخواست‌های مادی و دنیایی در فراوانی بسیار بالاتری نسبت به خواسته‌های معنوی قرار دارد. از این رو کودکان را در تعریف مبادله گرا-کارکردگرا قرار می‌دهد. بدین معنی که دعای این کودکان برای رفع گرفتاری‌ها، برآورده شدن

حاجات و حل مشکلات است نه فراتر از آن. (رک. شکفته و نوذری، ۱۴۰۱، ص ۱۵۱-۱۵۲)

بنابراین همان‌طور که اشاره شد ایجاد رابطه با خدا در مقوله دعا برای کودکان در سنین ابتدایی آشنا و تجربه‌پذیر است. تجربه‌ای که به مناسبت‌های گوناگون ممکن است در طول دوره کودکی تکرار شود. اما اینکه زبان کودک چقدر گویا است و چقدر می‌تواند توسعه در کلمات دعا داشته باشد؟ نیازمند سازوکار روشمندی است که باید مطالعه و آموخته شود. همچنین درک کودک از مفاهیم عینی به سمت مفاهیم انتزاعی جز ویژگی‌های بوده که در سال‌های اولیه مدرسه تا اوایل نوجوانی رشد خود را نشان می‌داد. از همین گزاره اثبات شده می‌توان وجه مشترکی یافت که بتواند در توسعه زبانی دعا مؤثر باشد و آن ادراک محسوسات است که بین کودکان از قابلیت پذیرش بیشتری برخوردار است. درک اموری که با حواس پنجگانه ایجاد می‌شود ارتباط کودک را با جهان بیرون از خود واقعی‌تر نشان می‌دهد و آوردن آن در دعا کارکرد و شناخت بهتری به او می‌دهد. نعمت‌های مادی حق تعالی می‌تواند مصداقی از این امور محسوس باشد که کودک را متوجه داشته‌ها و نداشته‌های خود می‌کند و تمایل و نیازخواهی او را بیدار کرده و خود را طالب دستیابی به آن می‌یابد. این طلبی که در قالب زبان ریخته می‌شود اگر قالب گری پویا داشته باشد می‌تواند ارتباط بهتر و پایدارتری ایجاد کند و آن را در ابعاد متخلف گسترش دهد. عمده سخن به این برمی‌گردد که تفکر خلاق در کودک باید با این زبان متصل شود تا زوایای نادیده را روشن کند. از این‌رو در ادامه به نقش تفکر در توسعه زبان اشاره نموده و از پی آن روش‌های گویا نمودن زبان کودک را بررسی می‌شود.

۴. نقش تفکر در رشد زبانی کودک

زبان ابزاری برای برقراری ارتباط و تبادل اطلاعات است و رشد زبان کودک یعنی بررسی چگونگی تفکر کودک، تغییر و رشد آن از طفولیت تا بزرگسالی. (سلطانی و خلیلی مقدم، ۱۳۹۴، ف، ص ۳-۴) در چگونگی رشد زبانی نظریات گوناگونی مطرح شده است. این نظریه‌ها به توضیح تغییر و رشد زبان کودکان می‌پردازند. آن‌ها معمولاً از رویکرد مرحله به مرحله استفاده می‌کنند و به جنبه‌های مختلف رشد زبان، از جمله توانایی‌های شناختی و اجتماعی، توجه دارند. پیازه اعتقاد داشت که زبان فرآیندی شناختی و محصول رشد هوش عمومی است و در نتیجه تعامل مداوم عملکردهای

شناختی و محیط زبانی و غیرزبانی پدیدار می‌شود. ویگوتسکی^۱ نیز در نظریه خود معتقد است که زبان نقش مهمی در تفکر و توسعه شناختی دارد. (ابراهیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۹)

نظریه‌های فطری نگر یا نهادگرا معتقدند که زبان به طور فطری در کودکان تکوین می‌یابد و نه از طریق تقلید یا یادگیری بزرگسالان. نظریه‌های تعامل‌گرا تأکید دارند که زبان به عنوان یک ابزار اجتماعی و تعاملی توسط کودکان یاد گرفته می‌شود. تعامل با دیگران نقش مهمی در فراگیری زبان دارد. در نظریه‌های سازه‌گرا به تحلیل ساختار زبان و قواعد دستوری می‌پردازند. آن‌ها معتقدند که کودکان با توجه به قواعد زبانی، زبان را یاد می‌گیرند. همچنین نظریه‌های معنایی به توضیح نقش معنا و مفهوم در فراگیری زبان می‌پردازند. آن‌ها معتقدند که معنا و مفهوم کلیدی در تفهیم و تولید جملات زبانی است. (رک. شمالی، ۱۳۷۳، ص ۲۴ - ۲۵ و پیرهانی و نصیرپور، ۱۴۰۳، ص ۱۲ - ۳۰).

بنابراین می‌توان گفت که تأثیر تفکر در سیر تکاملی زبان امری غیرقابل انکار است و توسعه رشد زبانی با مهارت‌های فکری رابطه دارد؛ این یک رابطه دوسویه است و امکان تفکیک تفکر از زبان نیست. به عقیده برخی محققان رابطه میان زبان و فکر این‌گونه نیست که در حد ابزاری برای ترجمه و انتقال داده‌های علمی به علم دیگر محدود باشد، بلکه ابزاری برای بسط اندیشه و توسعه افق نگاه است که علوم را در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند. (پاکتچی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴) فارغ از این نگاه کلی و ضمن پذیرش تأثیر و تأثر زبان بر فکر می‌توان گفت که زبان هویتی فراتر از یک ابزار ارتباطی است. از این رو برای گویا نمودن آن نیازمند کنکاش فکر و اندیشه است و مرحله‌ای بودن اندیشه در کودکان از رویکردهای محسوس به محسوس و معقول می‌تواند نقش مهمی در گویا نمودن زبان او داشته باشد؛ زیرا سیالیت فکر کودک در ایجاد اتصال‌های ذهنی و خلاقیت در برون داد آن در قالب زبانی، منعکس‌کننده اندیشه رو به رشد اوست. از این رو نیازمند به کارگیری روش‌های مطلوب در پردازش زبانی در موضوعات ارزشی است که می‌تواند به تناسب فکر او را در مسیر صحیح شکل داده و در گفتار و رفتار او متجلی شود. از این رو در ادامه به روش‌های گویا نمودن زبان در دعا پرداخته می‌شود که بتواند رابطه کودک را با رب و خالق هستی هرچه بیشتر پیوند دهد.

۵. روش‌های گویا نمودن زبان دعا بر پایه نعمت‌های حسی

نعمت‌های حسی، پل ارتباطی کودک با دنیای مادی است که از طریق حواس درک می‌شود. رنگ‌ها، صداها، بوها، مزه‌ها و لمس اشیاء مختلف، همگی از طریق حواس منتقل می‌شوند. این نعمت‌ها ضمن امکان تعامل با جهان مادی نقش مهمی در برقراری ارتباط با دیگران ایجاد می‌کنند. دعا که رابطه انسان با خداست از مسیر گذر بر این نعمت‌ها برای کودکان ساده‌تر درک می‌شود. چون ارتباط کودک با دنیای محسوس ارتباط فطرت با طبیعت است و فطرت بر طبیعت حاکم است؛ زیرا هدایت در فطرت است وقتی فطرت آزاد باشد خودش احساس اشتها به دین می‌کند. (حائری شیرازی، ۱۴۰۳، ص ۴۳ - ۵۷)

از این رو با تکیه بر ادعیه صحیفه سجادیه کیفیت تعامل با نعمت‌های حسی را بررسی نموده و روش‌هایی در این زمینه برای مربیان کودک پیشنهاد می‌شود که از این طریق بتوانند نقش مهمی در گویایی زبان کودک در دعا داشته باشند.

۱- ۵. روش سیر از کلی به جزئی

سیر از کلی به جزئی یک رویکرد تحلیلی است به بررسی و دسته‌بندی نعمت‌ها و فواید آن‌ها می‌پردازد. این روش کمک می‌کند تا از یک دیدگاه کلی، جزئیات و ابعاد مختلف یک نعمت شناسایی شود. در این روش ابتدا نعمت‌ها شناسایی می‌شوند. در مرحله بعد، به ذکر کلی نعمت‌ها پرداخته می‌شود. با استفاده از دیدگاه کلی، به جزئیات و ابعاد خاص هر نعمت از قبیل کارکرد آن یا نوع استفاده از نعمت یا تأثیرات آن‌ها بر روی زندگی و... توجه می‌شود. این روند کلی را در مثال آب و باران در صحیفه سجادیه به وضوح می‌توان مشاهده نمود.

از نعمت‌های مهم در زندگی آب است. امام سجاده علیه السلام در دعای طلب باران ابتدا سیرابی از باران را از خدا می‌خواهند و باران فراوان را رحمت الهی برمی‌شمارند: «اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ...» (صحیفه سجادیه: دعای ۱۹) و در ادامه با اشاره به ابعاد خاص کارکرد آب در زندگی پرداخته و جزییات کارایی وجود این نعمت را خاضعانه می‌خواهند:

با آن باران، هر چه از زمین و گیاه مرده است، زنده کنی! و از برکت آن باران، روزی‌ها را وسعت بخشی، از ابری انباشته، لذت بخش، گوارا، فراگیر و غزان که بارانش اندک نباشد، و برقش نفریبد.... آنچه از دل زمین آمدنی است، بیرون آری... خدایا! برای ما بارانی فریادرس و برطرف‌کننده قحطی فرست؛

بارانی رویاننده گیاه، و سرسبز کننده دشت و دمن.... خدایا! ما را بارانی فرست که به وسیله آن از تپه‌ها آب سرازیر فرمایی، و چاه‌ها از آن پر کنی و نهرها را روان سازی...^۱. (صحیفه: دعای ۱۹)

کودک بود و نبود آب را حین تشنگی و سیرابی حس کرده اما در دعا فقط به درخواست ساده برای طلب آب اکتفا نکنند بلکه بتواند جولان ذهنی دهد چرا آب؟ مربی در این مسیر او را جهت دهد دامنه مثالی او را در نیازهایش بگستراند اگر از خدا غذا می‌خواهد؟ اگر دوست می‌خواهد؟ بتواند نیازش را به خدا بگوید؛ آزادانه درباره همه چیز با خدا حرف بزند (رک. حیدری ابهری، ۱۴۰۰، ص ۵۲-۵۹) همچنین با ذکر برخی نعمت‌های حسی در دعا با برجسته نمودن کارکرد خاصی از آن نعمت، تأکید و توجه به آن نعمت را بیان می‌کنند. از جمله در دعای رسیدن ماه مبارک رمضان آمده است: ما را به روزه داشتن این ماه و حفظ اندامان از گناهانت و به کار گرفتن آن‌ها در آنچه تو را خشنود می‌کند، یاری ده؛ تا با گوشمان به گفتار لغو گوش نکنیم و با چشممان به تماشای لَهو نشتابیم. ایشان در ادامه به دیگر اعضا اشاره نموده: تا جایی که دست‌هایمان را به جانب حرامی نگشاییم و با پاهایمان به سوی ممنوعی نرویم و شکم‌هایمان، جز آنچه را حلال کردی، در خود جای ندهد و زبانمان، جز به آنچه تو گفته‌ای، گویا نشود.^۲ (صحیفه: دعا ۴۴) ارتباط خود را با خدا در همه جزئیات دخیل کند از رهگذر این تلاش ذهنی به تقویت بینش خود در ابعاد خاص نعمت یا کارایی آن برسد.

۲-۵. روش ارتباط بخشی توصیفی در جزئیات

ارتباط بخشی در جزئیات نعمت به معنای توصیف دقیق و کامل یک نعمت یا موهبتی در زندگی است. این کار کمک می‌کند تا از نعمت‌های خود آگاه‌تر شده، علاوه بر آن به رشد و توسعه زبانی نیز کمک شایانی می‌کند. با توصیف دقیق نعمت‌ها، دایره لغات کودک گسترش می‌یابد، قدرت بیان تقویت شده و درک او از زبان عمیق‌تر می‌شود. این جایگذاری زبانی در قالب دعا کمک می‌کند با ادبیات واضح‌تر و ملموس‌تر با خدا ارتباط برقرار کند. همچنین برای ایجاد شبکه ارتباط

۱. «تَحْسِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ، وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ وَ تُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ، وَ تُوسِّعُ بِهِ فِي الْأَقْوَاتِ، سَحَاباً مُتَرَاكِماً هَنِيئاً مَرِيئاً طَبَقاً مُجَلْجَلاً، غَيْرَ مُلْتِ وَ ذَفَّةٍ، وَ لَا خَلْبٍ بَرَقَّةٍ... اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً مَرِيئاً مُرِعاً غَرِيضاً وَاسِعاً غَزِيئاً، تَرُدُّ بِهِ الْهَيْضَ وَ تَجْبُرُ بِهِ الْهَيْضَ»

۲. «أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يَرْضِيكَ حَتَّى لَا نُضْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ، وَ لَا نُشْرَعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى هَوٍ»

بخشی در جزئیات نیاز، ابتدا جزئیات شناسایی شده سپس ارتباط آن‌ها باهم لحاظ شود. تفاوت آن با روش قبلی در این است که در آنجا رابطه طولی بین منعم و نعمت و کارایی و فواید آن برقرار شده ولی در اینجا ارتباط عرضی و دنباله پیوندهای هم عرض و شناخت ویژگی‌ها و توصیف آن‌هاست. توصیف‌هایی که بتواند طلب انگیزی در نعمت را ایجاد نماید.

یکی از نعمت‌های در زندگی والدین، فرزندان هستند. امام سجاده علیه السلام در دعای والدین برای فرزندان از خداوند می‌خواهد: «خداوندا عمرشان را برای من دراز گردان... خردسالشان را برای من پرورش ده و ناتوانشان را برایم نیرومند نما؛ بدن و دین و اخلاقشان را برای من سالم بدار؛ و آنان را در جان و اعضا و کارهایشان - که برای من مهم است - تندرستی ده و برای من و به دست من روزی‌هایشان را بسیار نما...»^۱ (صحیفه سجاده: دعا ۲۵)

همچنین امام ع در وصف پیوند بین والد و فرزندان را چنین ادامه می‌دهند: خداوندا بازوی مرا به وسیله آنان محکم گردان و کجی مرا به وسیله ایشان راست فرما و تعداد مرا به وسیله آن‌ها بیفزای و مجلس مرا به وسیله ایشان آراسته نما و یاد مرا به وسیله آن‌ها زنده گردان...^۲ (همان)

در این فرازها گرچه دغدغه والدین برای همه فرزندان است و آرزومندی سعادت آن‌ها از خدا را طالب است؛ اما توصیفات مختلف ایجاد شبکه ارتباطی فرزند با والد را از زاویه‌های مختلف پیوند داده است.

این روش برای کودک در توسعه زبانی برای دعا می‌تواند سودمند باشد زیرا در مراحل مختلف رشد ذهنی کودک می‌تواند رابطه محسوس را با اصل نعمت پیوند زند و مربی با دادن کدهای توصیفی مختلف کنشگری او را در خلق پیوندهای هم عرض از خدا بخواهد هرچند سطحی و هرچند کوتاه باشد.

۳-۵. روش تجربی مشاهده

روش تجربی مشاهده این فرصت را به بیننده می‌دهد تا پدیده‌های طبیعی اطراف خود را به دقت ببیند و ممکن است به صورت ناظر بیرونی بارها در تکرار دید او قرار بگیرد. این مشاهده‌گری

۱. «إِلَهِي أُمِدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي أَجَالِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَغِيرُهُمْ، وَقَوْلِي صَعِيفُهُمْ، وَأَصِحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ»

۲. «اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَصْدِي، وَأَقِمَّ بِهِمْ أَوْدِي، وَكَثِّرْ بِهِمْ عَدْدِي، وَزَيِّنْ بِهِمْ مَخْضَرِي»

گاهی از قبل مشخص و گاهی اتفاقی و گاهی در اثر علت یا موقعیت‌های خاص شکل می‌گیرد. به هر صورت داده‌هایی را بر اثر این مشاهده به ذهن افراد انتقال می‌دهد که می‌تواند نقش مهمی در توسعه زبانی داشته باشد.

امام سجاده در برخی از دعاها عبارت «فَکُمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي: ای خدای من! چه بسیار دیدم» (صحیفه سجاده: دعا ۲۸، فراز ۵) یا عبارت «وَرَأَيْتُ: و دیدم» (همان: فراز ۶) به کار می‌گیرند به عبارت دیگر مشاهده‌گر ادراک خود را از تجربه دیداری بیان می‌کند. گرچه فعل «رأی» علاوه بر مشاهده حسی در معنای فهمیدن نیز به کار می‌رود (رک. سیوطی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۵) و دامنه دعا‌های امام به امور مادی محدود نمی‌شود، اما در ذکر آن نوعی درک و شناخت از تجربه و رابطه پدیده‌ها را با هستی‌بخش عالم یادآور می‌شوند. مثلاً در دعای ۲۸ اشاره می‌کنند: «ای خدای من! چه بسیار انسان‌ها دیدم که با تکیه به غیر تو، عزت خواستند ولی خوار شدند؛ و از غیر تو درخواست ثروت کردند، اما به تهی‌دستی نشستند و آهنگ بلندی کردند، ولی پست شدند.» (صحیفه سجاده: دعای: ۲۸)^۱ اینجا امام از یک ادراک تجربی سخن به میان می‌آوردند که بارها تکرار شده است؛ یا در نیایش دیگر می‌فرماید: چه بسیار دشمنی که شمشیر دشمنی‌اش را بر روی من کشید و لبه تیغش را برای من تیز نمود و طرف تیز آن را برایم نازک کرد و آن را برای من با زهرهای کشنده‌اش درهم آمیخت ... پس به یاری کردنم آغاز نمودی و به توانایی ات پشتم را نیرومند ساختی؛ سپس تیزی (تیغ) او را برای من شکستی.^۲ (همان، دعای ۲۸)

در دعای دیگری امام جهت دعا را به سمت خود انسان سوق داده: خداوندا، تو مرا بی‌عیب و نقص آفریدی و در کودکی پرورش دادی و به قدر کفایت به من روزی دادی. (صحیفه: دعای ۵۰) و به حس زیبایی و پاکی روزی اشاره داده: «سپاس خدایی را که زیبایی‌های آفرینش را برای ما برگزید و روزی‌های پاکیزه را برایمان جاری ساخت»^۳ (همان، دعای ۱)

از این رو تجربه‌های مشاهده‌ای می‌تواند درک عمیق از پدیده‌ها ایجاد نموده و این روش به

۱. «فَکُمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنَا سِ ظَلَبُوا الْعَرَّ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا، وَ زَامُوا النَّزْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا، وَ حَاوَلُوا الْإِثْفَاعَ فَاتَّصَعُوا».
۲. «كَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَى سَيْفِ عَدَاوَتِهِ، وَ سَحَذَ لِي ظُبَّةَ مُدْبِيتِهِ، وَ أَزْهَفَ لِي شِبَا حِدِّهِ، وَ دَافَ لِي قَوَائِلَ مُمِومِهِ،... فَابْتَدَأَنِي بِنَصْرِكَ، وَ شَدَّدْتَ أَرْزِي بِقُوَّتِكَ، ثُمَّ فَلَلْتَ لِي حَدَّه، وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ وَحْدَهُ، وَ أَغْلَيْتَ كَغْيِي عَلَيْهِ».
۳. «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَ أَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ».

بیننده اجازه می‌دهد تا پدیده‌ها را در زمینه طبیعی خود درک کند. این مدل تجربه در کودکان سبب می‌شود به اطرافشان با دقت بیشتری بنگرند و جلوه نعمت‌های الهی را بیشتر دریابند. مثلاً اگر مورچه را ببینند چگونه دانه‌ای را به لانه می‌برد و بارها با افتادن آن خسته نمی‌شود یا با دیدن حرکت زیبای پروانه‌ها و نشست و برخاست آن‌ها روی گل و... به آن‌ها کمک می‌کند که علاوه بر اینکه دنیای اطراف را بهتر می‌شناسند زبانشان نیز در توصیف آن گویاتر شده و از ابعاد مختلفی بتوانند این تجربه را توصیف کنند. عبارت‌های دعای حاصل از تجربه مشاهده‌ای می‌تواند نکات برجسته ذهن کودک را بنمایاند که او از حاصل این مشاهدات از خداوند چه می‌خواهد؟ یا اگر زبان به دعا گشوده بیشتر از قبل می‌تواند از آن نعمت یاد کند. به این ترتیب این روش ساده‌ترین راه در عمق دادن به جهان بینی کودک با توسعه زبانی اوست.

۴-۵. ساخت تصاویر ذهنی در کارآیی نعمت

از دیگر روش‌ها برای گویایی زبان، ساخت تصاویر ذهنی است. این ساخت کمک می‌کند تا کلمات و مفاهیم با سازماندهی بهتری بیان شوند و اطراف موضوع مورد نظر با جزئیات بیشتری ذکر شود.

منظور این نیست که ساخت ذهنی را در فقط راستای تخیل و توهم در نادیده‌ها به کار گرفت بلکه در این زمینه از تمام حواس برای توصیف پدیده‌ها کمک گرفته می‌شود. در این روش تجسم نعمت به بیان نیاز به آن و ویژگی‌های مورد نظر در ساخت و تبدیل ذهن شکل می‌دهد و در این راستا علاوه بر تقویت تفکر به گویا کردن زبان نیز اشاره دارد که در طول مراحل زندگی می‌تواند پخته‌تر و منطقی‌تر به نظر برسد. صورت دهی به مفاهیم کلی و ارتباط دهی در پدیده‌های در عالم خارج ذهن امری ناآشنای ذهن نیست بلکه تقویت این روش می‌تواند نقش مهمی در توصیف خواسته‌های انسان در دعا ایجاد کند.

امام سجاده علیه السلام در دعا برای طلب باران به زیبایی ساخت ذهنی نعمت باران را به تصویر می‌کشند و هدف رسیدن به این خواسته را در قالب الفاظ دعا ذکر می‌کنند: «خداوند ما را با بارانی که از آن تپه‌ها را جاری گردانی و چاه‌ها را از آن پر کنی و رودخانه‌ها را با آن روان سازی و درخت‌ها را به وسیله آن برویانی و با آن قیمت‌ها را - در همه شهرهای بزرگ - ارزان کنی و چهارپایان و سایر

آفریدگان را به وسیله آن سرپا بداری و روزی های پاکیزه را با آن برایمان کامل گردانی...^۱ (صحیفه سجاده: دعا ۱۹)

همچنین بعد از ذکر اینکه رهبر و امام چرا آمده؟ از طرف چه کسی آمده؟ نیاز به رهبر و ویژگی های رهبری را چنین طلب می کند: «او را از جانب خود، سلطنتی پیروزمند عطا فرما و برای او پیروزی به آسانی بگشای و او را به تواناترین تکیه گاه (نیروی) خود، یاری فرما و پشتش را محکم ساز و بازویش را قوت ده و تحت نظر خود، از او نگهداری کن»^۲ (رک. صحیفه: دعای ۴۷)

همچنین وقتی آدمی با بدنی سالم مواجه می شود یا متوجه سلامت بدن خود می شود در دعا برای عافیت بدن می فرماید: «خداوند بر محمد ﷺ و آلش درود فرست و عافیت را بر من بیوشان و سراپایم را به عافیت بیوشان و به عافیت محفوظم دار و به عافیت ارزشمند و عزیزم دار و بر من به عافیت احسان کن...»^۳ (صحیفه: دعای ۲۳) می توان ساخت ذهنی از عافیت که همه وجود آدمی را برگیرد را در این عبارت شاهد بود.

در جای دیگر در همین زمینه اشاره می کنند: «(خدایا) مرا عافیت ده؛ عافیتی بی نیاز کننده، شفا بخش، برتر، افزون شونده؛ عافیتی که در بدنم عافیت تولید کند، عافیت دنیا و آخرت. و بر من منت گذار، به تندرستی و امنیت و سلامت در دین و بدنم و بینایی در دلم...»^۴ (صحیفه: دعای ۲۳) به این ترتیب کودک وقتی درباره نعمت های خدا می بیند و می شنود و می خواند، می تواند به خوبی تجسم کند. این صورتگری به او فرصت درک بهتر مفاهیم را می دهد و راحت تر می تواند احساسات خود را در قالب زبانی دعا بگشاید چون درک بهتری از معانی پیدا کرده و تصور واضح تری برای او ایجاد می شود. تصورات ذهنی کودک وقتی به عرصه بیان رسید می تواند جهت دهنده مربی در راهنمایی و هدایتگری او باشد. تصورات ذهنی از داشته ها و نعمت ها علاوه بر ایجاد حس رضایت، تشکر از خداوند را به زبان و رفتار در پی می آورد؛ زیرا یکی از مسیرهای شناخت خداوند برای کودکان

۱. «اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الظَّرَابَ، وَ تَمَلُّا مِنْهُ الْجَبَابَ، وَ تَفْجِرُ بِهِ الْأَنْهَارَ، وَ تُثَبِّتُ بِهِ الْأَشْجَارَ، وَ تُرَخِّصُ بِهِ الْأَشْعَارَ

فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ...»

۲. «وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَ أَعِنِّهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَ أَشْدِّدْ أَرْزُهُ، وَ قَوِّ عَصْدَهُ...»

۳. «وَ أَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَ جَلِّلْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ حَصِّنِّي بِعَافِيَتِكَ وَ أَكْرِمْ نِي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَعْنِنِي بِعَافِيَتِكَ...»

۴. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَاصِيَةً، عَافِيَةً تُؤَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةً الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.»

ادراک قدرت اوست. کودکان، خداوند را به وجودی سرشار از قدرت می‌شناسند که می‌تواند خلق کند، تغییر دهد، ببرد، بیاورد و... شناخت این صفت الهی در آن‌ها قدرت ساخت ذهنی را افزایش می‌دهد زیرا با خدایی ارتباط دارد که توانایی همه کار دارد و عاجز نیست، البته با طی مراحل رشد، عبارات او معقول‌تر جلوه می‌کند.

۵-۵. روش تشبیه حسی

تشبیه حسی از آرایه‌های ادبی است که برای توصیف و بیان بهتر مفاهیم از حواس پنج‌گانه استفاده می‌کند. (فیاضی و دیگران، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۶۰۵) در این نوع تشبیه، گوینده چیزی را به چیزی دیگر تشبیه می‌کند که هر دو قابل درک حسی باشند. این کار باعث می‌شود متکلم تصویر واضح‌تری از آنچه توصیف می‌شود در ذهن خود بسازد و با عمق بیشتری با متن ارتباط برقرار کند. در این تشبیه در عین اینکه هردو حسی هستند در ذات اختلاف و در صفات اشتراک دارند (رک: ابن قیم جوزی، ۱۴۰۸، ص ۸۶) اینجا مشبه و مشبه به باهم متفاوت ولی در وجه شبه مشترک هستند.

تشبیه حسی علاوه بر ایجاد تصویر ذهنی و بیان احساس در کلام باعث توسعه دامنه زبانی نیز می‌گردد و به کلام عمق می‌دهد. در اینجا شناخت وجه مشابهت بسیار مهم است تا رابطه بین محسوسات بهتر قابل درک باشد. این روش زبانی در صحیفه سجاده به کار گرفته شده است. امام علیه السلام ضمن وجود نعمت پدر و مادر اشاره می‌کنند که: «الهی مرا چنان گردان که از پدر و مادرم حساب ببرم مانند حساب بردن از حاکم پر قدرت ستمکار»^۱. در اینجا مواجهه باهویت والدین به مواجهه باهویت پادشاه تشبیه شده است. در جای دیگر می‌فرماید: «مانند مهربانی مادر با آنان مهربانی کنم»^۲ محبت به والدین به مانند محبت مادر آورده است زیرا مهر مادری در رأفت و محبت زیانزد است و محبت فرد به والدینش نیز باید چنین باشد.

اطاعت از پدر و مادر را در نگاه فرزند چنین به تصویر کشیده است: «فرمان بری و خویم به آنان در نظرم از خواب آلوده خوش‌تر، و در دلم از آشامیدن تشنه گوارتر گردان»^۳ (صحیفه: دعای ۲۴)

۱. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ».

۲. «أَبْرُهُمَا بِرَ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ».

۳. «وَاجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيَّ وَبِرِّي بَهْمَا أَقَرَّ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْطَانِ».

خواب در چشم خواب آلود لذت بخش است و آب برای لب تشنه، گواراست؛ این فضا سازی ذهنی میل را شدت می دهد و وقتی تشبیه رخ می دهد عمق اطاعت مشخص می شود.

به کارگیری این روش در زبان دعا برای کودک هم می تواند زبان او را غنی سازد و هم بین گزاره های حسی رابطه ایجاد کند و هم درک مفاهیم را برای آن ها ساده تر می شود. از سوی دیگر اگر کودک بتواند بین نعمت ها ارتباط تشبیهی برقرار کند خلاقیت فکری او نیز رشد می کند. اینجا کلیدواژه «همان طور یا همان گونه» به مانند پلی بین گزاره ها عمل می کند و تشبیه سازی را روان می کند مثلاً خدایا همان گونه که مورچه از برداشتن تکه ای غذا خسته نمی شود من هم از نوشتن و درس خواندن خسته نشوم... خدایا همان طور که آجرها محافظ خانه ما هستند سلول های ما را تقویت کن محافظ بدن ما باشند.

۶-۵. روش شکرگزاری متضادین

عالم طبیعت، عالم تضاد و تزاخم است و در کنار خیرها و نعمت های آن، بدی ها و دردها و رنج هایی نیز وجود دارد. به عبارت دیگر عالمی که موجوداتش با یکدیگر تزاخم دارند یعنی ممکن است از یک طرف علت هایی خواهان ایجاد معلول شوند ولی از طرف دیگر علل و اسبابی فراهم شوند و آن را از بین ببرند: مثلاً هوا و زمین و آب و دانه ای که افشاند می شود اقتضا دارند زراعتی به دست بیاید ولی از طرف دیگر گاهی می شود یک اسباب و آفاتی پدید آیند مانند سرمای بی موقع و غیره که مانع به دست آمدن زراعت می شوند. خداوند نیز به هنگام آفرینش، خود به این نتایج فرعی و تبعی آگاهی کامل دارد. (مصباح، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۴ و ایزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱۸) بنابراین با آگاهی از این مورد و شناخت خیر کثیر نعمت ها بر شر قلیل آن ها حتی گاهی ندانستن حکمت برخی امور و تجلی آن در دعا روحیه عبد بودن را ارتقا می بخشد. از این رو شکرگزاری و قدردانی از همه تجربیات زندگی حتی در اموری که انسان آن ها را متضاد و منفی می بیند از روش هایی است که نگاه متعادلی را در انسان ایجاد می کند که در آن برای هر رویداد سخت و چالش در زندگی فرصت رشد می بیند و به تغییر نگرش فرد کمک می کند و صبر او را در مواجهه با امور مزاحم افزایش می دهد.

در برخی دعا های صحیفه این روش به چشم می خورد مثلاً امام در دعا به هنگام بیماری می فرماید: «خداوند! ترا سپاس بر تندرستی تنم که همواره از آن برخوردار هستم. و تو را سپاس

بر بیماری‌ای که در جسمم پدید آوردی»^۱ در این نیایش با خداوند ابراز تردید می‌کند که کدام یک دو حالت سلامتی و بیماری شایسته شکر بیشتری است: آیا هنگام تندرستی که مرا از نعمت‌های پاکیزه خود روزی می‌بخشیدی و در طلب خشنودی و فضل خود به تلاشم وامی‌داشتی و در توفیق بر طاعتم نیرو ارزانی می‌داشتی، یا اکنون که بیمارم و مرا بدین بیماری مورد آزمایش قرار داده‌ای و این دردها را ارمغانم فرموده‌ای تا گناهایی را که از آن گرانبارم سبک‌سازی و مرا از بدی‌هایی که در آن غرقه‌ام پاک گردانی و به دریافتن «توبه» هشدارم دهی و با یادآوری نعمت سلامت گذشته گناه بزرگم را محو فرمایی؟^۲ (صحیفه: دعا ۱۵) همچنین در دعا برای کار و فراغت از کار می‌فرماید: «اگر برای ما فراغت از کار مقدّر نموده‌ای، پس آن را با تندرستی قرار ده که در آن گناهی ما را نگیرد و خستگی‌ای به ما نرسد.»^۳ (صحیفه: دعای ۱۱)

همچنین علاوه بر بیان نگاه متفاوت به امور منفی، از خداوند می‌خواهد حوادث ناگوار در زندگی رخ ندهد مثلاً در دعای درخواست باران وقتی از ابر پربران سخن می‌گوید تا نعمت‌ها فزون شود در ادامه اشاره به ابری می‌کند که می‌تواند موجب عذاب و زحمت باشد: خدایا! سایه ابر را بر ما باد گرم و زهرآگین مساز و سردی آن را بر ما شوم و نحس مکن و بارانش را بر ما عذاب قرار مده و آتش را برای ما تلخ و شور مگردان.^۴ (صحیفه: دعای ۱۹)

به کار گرفتن این روش برای گویایی زبان دعا در کودکان دوره ابتدایی اثرگذار است؛ زیرا معرفت نسبی به تضادها داشته و با توجه به تجربیاتی که از زندگی پیدا کرده‌اند می‌تواند برای آن‌ها آموزنده باشد و در وسعت فکری خود یک‌جانبه دعا نکنند و ابعاد مختلف موضوع از جمله جنبه متضادش نیز مدنظر باشد؛ مثلاً خدایا، از تو برای شکست‌هایم سپاسگزارم، زیرا این شکست‌ها به من نشان داده‌اند در کجا قوی‌تر شوم و به من فرصتی برای رشد داده‌اند یا خداوند این بیماری به من یادآوری می‌کند که سلامتی بزرگ‌ترین نعمت است و مرا به تو نزدیک‌تر کرده است و من بیشتر تو را صدا می‌زنم...

۱. «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَخَذْتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي».

۲. «وَقَدْ الصَّحَّةَ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طِبِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَطَّتَنِي بِهَا لِإِبْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ. أَمْ وَقَدْ الْعِلَّةَ الَّتِي مَحَضَّتَنِي بِهَا، وَ التَّعَمُّ الَّتِي أَخَفَّتَنِي بِهَا، تَخْفِيفاً لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنَ الْحَاطِيَّاتِ، وَ تَطْهِيراً لِمَا انْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهاً لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذْكِيراً لِمَحْوِ الْخَوْبَةِ بِقَدِيمِ التَّعَمَّةِ».

۳. «إِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغاً مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُذَكِّرُنَا فِيهِ تَبِعَةً».

۴. «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلُّهُ عَلَيْنَا سَوْماً، وَلَا تَجْعَلْ بَرْدُهُ عَلَيْنَا حُسوماً، وَلَا تَجْعَلْ صَوْبُهُ عَلَيْنَا رُجوماً، وَلَا تَجْعَلْ مَاءُهُ عَلَيْنَا أَجاجاً».

به این ترتیب این روش می‌تواند ارتباط او را با جهان پیرامونش عمیق‌تر نماید و حتی دنبال تضاد و تراحم‌ها در زندگی خود بگردد و طلب و نیاز خود را در خوشی و ناخوشی از خدا بخواهد و ناخوشی‌های دنیا را فقط بد و منفی نبیند

۶. نتیجه‌گیری

دعا نه تنها یک عمل عبادی، بلکه ابزاری برای ارتباط عمیق کودک با خداوند و بسترسازی برای جهت‌دهی به باورهای او در بزرگسالی است. در این پژوهش، پس از بررسی منابع درسی دوره ابتدایی در موضوع دعا، اغلب موارد ادعیه ذکر شده در این دروس را فاقد روشمندی در آموزش دیده شده است. از سوی دیگر، رشد مرحله‌ای کودکان از مرحله عینی به سمت انتزاعی، نشان‌دهنده رشد زبانی و محتوای سخن گفتن است که نیاز است در موضوع دعا روشمند شود. به این ترتیب، با الهام از دعا‌های صحیفه سجادیه در موضوع نعمت‌های حسی خداوند، تلاش شده است تا روش‌هایی برای ارتقای کیفیت دعا کردن و گویایی زبان دعا بررسی شود که اهم این روش‌ها عبارت است از: ۱. روش سیر از کلی به جزئیات: ضمن شناسایی نعمت به ذکر کلی آن پرداخته است و سپس به جزئیات و ابعاد خاص هر نعمت از قبیل کارکرد آن یا نوع استفاده از نعمت یا تأثیرات آن‌ها بر روی زندگی و... توجه می‌شود.

۲. ساخت تصاویر ذهنی: این ساخت کمک می‌کند تا علاوه بر تصور ذهنی از داشته‌ها و نعمت‌ها، حس رضایت و تشکر از خداوند را به زبان و رفتار در پی آورد و کلمات و مفاهیم با سازماندهی بهتری بیان شوند و اطراف موضوع مورد نظر با جزئیات بیشتری ذکر شود. این صورت‌گیری به او فرصت درک بهتر مفاهیم را می‌دهد و راحت‌تر می‌تواند احساسات خود را در قالب زبانی دعا بگشاید. چون درک بهتری از معانی پیدا کرده و تصور واضح‌تری برای او ایجاد می‌شود.

۳. تشبیه حسی: به کارگیری این روش در زبان دعا برای کودک هم می‌تواند زبان او را غنی سازد و هم بین گزاره‌های حسی رابطه ایجاد کند و هم درک مفاهیم را برای آنها ساده‌تر می‌شود.

۴. روش شکرگذاری متضادین: کارکرد دو سویه نعمت‌ها ببیند معرفت نسبی به تضادها داشته

باشد و با توجه به تجربیاتی که از زندگی پیدا کرده می‌تواند برای آنها آموزنده باشد و در وسعت فکری خود یکجانبه دعا نکنند.

۵. روش تجربی مشاهده: در این روش پدیده‌های طبیعی اطراف خود را به دقت ببیند و ممکن است به صورت ناظر بیرونی بارها پدیده در تکرار دید او قرار بگیرد و جلوه نعمت‌های الهی را بیشتر ملموس‌تر دریابد عبارت‌های دعای حاصل از تجربه مشاهده‌ای می‌تواند نکات برجسته ذهن کودک را بنمایاند که او از حاصل این مشاهدات از خداوند چه می‌خواهد؟ یا اگر زبان به دعا گشوده بیشتر از قبل می‌تواند از آن نعمت یاد کند

۶. ارتباط بخشی توصیفی در جزئیات: توصیف دقیق نعمت یا موهبتی در زندگی است که می‌تواند دایره لغات کودک را گسترش داده و قدرت بیان او را تقویت کند. این جایگزاری زبانی در قالب دعا کمک می‌کند با ادبیات واضح‌تر و ملموس‌تر با خدا ارتباط برقرار کند.

در همه این روش‌ها با ذکر برخی نعمت‌های حسی در دعا با برجسته نمودن کارکرد خاصی از آن نعمت، تاکید و توجه به آن نعمت را بیان می‌کنند که در کنار آن روند تفکر خلاق و پویایی اندیشه کودک مدنظر بوده است تا صرفاً به لقلقه زبان نینجامد و دعا را نه تنها به عنوان یک عادت، بلکه به عنوان یک ارتباط قلبی با خالق خود ببیند. گاهی از کودک موضوع مدنظر دعا را درخواست کرد یا کارکرد آن را یادآور شد. گاهی تکرار برای این روش سودمند است. گاهی سمت و سوی هر نعمتی که کودک با او مستمراً سروکار دارد را به نکته خاصی از نعمت جلب کرد یا تاکید و تاییدی است بر اینکه نعمت از کجاست؟ یا احساسات او را در این نعمت به غلیان واداشت یا جهت فکر او را به ارتباط نعمت و منعم جلب کرد. از این رو، پیشنهاد می‌شود به مقایسه روش‌های مختلف ذکر شده در آموزش دعا به صورت میدانی پرداخته شود و همچنین بهترین روش برای گروه‌های سنی مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. علاوه بر این، تأثیر آموزش روشمند دعا در گویایی زبان کودک بر رشد شخصیت و رفتار کودکان و خلاقیت فکری آنها نیز باید مورد بررسی قرار گیرد.

کتابنامه

- صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان،
- صحیفه سجادیه، ترجمه فولادوند
۱. ابراهیمی، امیرعباس. (۱۳۹۷). «رشد و فراگیری زبان در کودکان»، فصلنامه تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۱۵۲.
 ۲. احمدی، محمد؛ پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۶). «درآمدی بر مهم‌ترین معانی اصطلاح رتوریک»، مطالعات زبان و ترجمه، دوره ۵۰، ش ۱.
 ۳. ایزدی، عباس. (۱۳۸۳). شرح و تفسیر دعای افتتاح، ج ۱، قم، مهر خوبان و آفتاب خوبان.
 ۴. باقری، خسرو. (۱۳۹۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران، انتشارات مدرسه.
 ۵. باهنر، ناصر. (۱۳۹۹). آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد، تهران، نشر بین الملل.
 ۶. پاکتیچی، احمد. (۱۳۸۷). «الزامات زبان‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای، ش ۱.
 ۷. پیرهانی، علی؛ نصیریور، صدیقه. (۱۴۰۳). زبان دوم و تفکر، تهران، نسل نواندیش.
 ۸. حائری شیرازی، محمدصادق. (۱۴۰۳). راه رشد (الگوی دینی تربیت کودک)، چاپ پنجم، قم، نشر معارف.
 ۹. حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۹۵). خدایا اجازه، قم، نشر جمال.
 ۱۰. رحیمیان، سعید؛ شکرالله زاده، سودابه. (۱۳۹۱). «مفهوم خدا در نگاه کودکان شرقی و غربی»، فصلنامه فلسفه دین، ش ۱۲.
 ۱۱. سلطانی، سیدمهداد، رسول خلیلی مقدم. (۱۳۹۴). رشد زبان کودک و نظریه‌های مرتبط با آن؛ اولین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین علوم و تکنولوژی.
 ۱۲. سیوطی، جلال‌الدین. (۱۳۸۸). البهجه المرضیه، ترجمه ذهنی تهرانی، سید محمد جواد، قم انتشارات وجدانی.
 ۱۳. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۴۰۳). کتاب‌های آموزش قرآن و هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی پایه اول تا ششم، تهران، اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 ۱۴. شکفته، رها؛ نوذری، محمود. (۱۴۰۲). «تحلیل مضمون دعا‌های کودکان در خرم مطهر رضوی»، فصلنامه علمی فرهنگ رضوی، ش ۴۱.
 ۱۵. شمالی شروین. (۱۳۷۳). «نظریه‌های رشد زبان در کودک»، تربیت، ش ۸۹.
 ۱۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی.
 ۱۷. فیاضی و دیگران. (۱۳۹۴). فرهنگ‌نامه علوم قرآنی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۱۸. فدایی، فاطمه؛ جعفری، نرگس؛ گودرزی، سحر. (۱۴۰۲). «بررسی آثار دعا بر سطوح تربیتی و آموزشی کودکان و نوجوانان»، انتشار: اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و فلسفه.
 ۱۹. کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۴). رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش‌های اکتشافی، تهران، قدیانی.
 ۲۰. گلدمن، رونالدو. (۱۹۶۴). *Religious thinking from Childhood to adolescence*، لندن، نشر راتلج.
 ۲۱. محمد بن ابی بکر (ابن قیم جوزی). (۱۴۰۸). الفوائد المشوق الی علوم القرآن و علم البیان، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۲۲. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۳). جنگ و جهاد، جلد ۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۳. نودری، محمود. (۱۴۰۲). روانشناسی تحول دینداری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم.
۲۴. نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی